

نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان (با تاکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی)

نینا صفی‌خانی^{۱*}، سید ابوتراب احمدپناه^۲، علی خدادادی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گرافیک، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۲ استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۳ کارشناسی ارشد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۴/۸)



چکیده

در قبرستان تخت فولاد اصفهان، که قدم بگذاریم، از مشاهیر و دانشمندان آرمیده در آن که بگذریم، این مکان حاوی گنجینه‌ای از نقوش و تصاویر می‌باشد و در این رهگذر، تبلور نقوش حیوانی شیر و ماهی در کنار دیگر تصاویر، نشان از اهمیت و نقش ویژه آنها در میان باورها و عقاید انسانی می‌باشد. شیر که در این قبرستان به صورت نقش گود، برجسته و مجسمه نمود پیدا کرده است، در هنر و فرهنگ بسیاری ملل، به عنوان سمبل شجاعت، قدرت، دلاوری، آتش، پرتو خورشید، پیروزی، روح زندگی، سلطنت، عقل، غرور، مراقبت و محافظت شناخته شده است. ماهی نیز که به صورت تکی و جمعی غالباً داخل گودال حوض مانند تصویر گردیده، علاوه بر زیبایی فوق‌العاده کالبدی، دربرگیرنده مفاهیم مستقیم و نمادین بسیاری است. در این تحقیق با گردآوری ۶۰۰ نمونه از سنگ قبور و بررسی ۱۵۰ نمونه شاخص، با روش توصیفی - تحلیلی، در روند شناسایی تزئینات، به طبقه‌بندی گونه‌های نقوش در قالب اشکال گیاهی، انسانی، حیوانی و اشیاء، پرداخته شده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که نقوش، صرفاً جنبه تزئینی نداشته و علاوه بر اشاره مستقیم به مفاهیم، سندی است که ویژگی‌های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی دوران را آشکار می‌سازد.

واژه‌های کلیدی

اصفهان، لسان‌الارض، تخت فولاد، سنگ قبر، شیر، ماهی.

مقدمه

(فقیه میرزایی، ۱۳۸۲، ۱۸). تخت فولاد، نمادی شاخص از هویت ایرانی در اصفهان و موزه‌ای از هزاران اثر هنری است که شاید کمتر به آن توجه شده باشد و نیاز به معناسازی و بازشناخت مفاهیم پنهان تصاویر موجود بر روی سنگ قبور کاملاً محسوس می‌باشد. بی‌تردید، پژوهش و تفحصی بر میراثی با غنای تخت فولاد، با بناهای تاریخی و سنگ‌نوشته‌ها و نقوش فراوان، پنجره‌ای بر بسیاری از جنبه‌های تاریخی و فرهنگی می‌گشاید.

در این تحقیق سعی گردیده به روش توصیفی - تحلیلی از طریق گردآوری و مطالعه اسناد و مدارک موجود کتابخانه‌ای و همچنین سنگ‌های موجود در موزه سنگ و برداشت میدانی، با بررسی تصاویر تقریباً ۶۰۰ قطعه از سنگ قبور این گورستان و تحلیل ۱۵۰ اثر، علاوه بر شناخت و دستیابی به نقش‌مایه‌های قبور تخت فولاد، ویژگی‌های بصری و مفاهیم پنهان این نقش‌مایه‌ها را مورد بررسی قرار دهیم، تا گوشه‌ای از تاریخچه گرافیک بومی این مرز و بوم نمایان گردد.

به درستی معلوم نیست که چه عواملی باعث شد تا ایرانیان توجه ویژه به سنگ قبر داشته باشند و آن را تا مرز هنر بیارایند. از سنگ قبرهای گذشته ایران نشانه زیادی وجود ندارد و آیین تدفین و خاکسپاری ایران باستان نیز نشان از عدم وجود سنگ قبر دارد. «اسلام اگر چه تدفین و به خاکسپاری را معمول کرد، اما مقبره‌سازی و برآوردن گور از سطح زمین و انداختن سنگ را ترویج نداد. اگر چه هیچ نشان و مدرکی از چگونگی آغاز کار گذاشتن سنگ بر قبر در دست نیست، اما صراحت فقه شیعه در چگونگی تدفین و گذاشتن نشانه (سنگ) بر قبر پس از چهل روز، می‌تواند سرآغاز این سنت به حساب آید» (تناولی، ۱۳۸۸، ۷). گورستان تخت فولاد، واقع در جنوب شهر اصفهان، از جایگاه ارزنده‌ای در میراث فرهنگی کشورمان برخوردار است. «تخت فولاد، در زمره گورستان‌های مهم ایران و جهان اسلام، از جمله، گورستان بقیع در مدینه منوره، قبرستان ابوطالب در مکه معظمه، گورستان باب‌الصغیر در دمشق، گورستان وادی‌السلام در نجف اشرف و گورستان تاریخی شهر قم محسوب می‌شود»

سابقه تاریخی و وجه تسمیه قبرستان تخت فولاد اصفهان

لقب داشته، چنین نامیده شده است.»

مزار بابارکن الدین: یکی از جایگاه‌های عبادت و ریاضت بوده که عرفا و صوفیه در آنجا برای خود عبادت‌خانه‌هایی می‌ساختند که یکی از مهم‌ترین این عرفا (بابارکن الدین) بوده است. در حقیقت، تدفین مشاهیر اصفهان اعم از علما، فقها، هنرمندان، عرفا و عموم مردم از عهد صفوی به بعد، به خصوص در زمان شاه عباس انجام شده، به همین جهت به نظر می‌رسد گسترش این قبرستان از قرن یازدهم شروع شده و چند دهه بعد به عنوان بزرگ‌ترین و مشهورترین گورستان اصفهان قرار گرفته است. از مشاهیر خفته در این قبرستان می‌توان به استاد فولاد حلوائی،^۶ میرفندرسکی،^۷ میرزا رفیعا^۸، واله اصفهانی^۹ و... اشاره نمود.

عناصر و فضاهای کالبدی گورستان تخت فولاد

«از آن زمان که گورستان تخت فولاد با دفن بابارکن‌الدین در خانقاه خویش، مورد توجه بیشتر قرار گرفت، تکایا و خانقاه‌های زیادی در اطراف آن ساخته شد، تا جایی که مجمع دراویش نام گرفت. مریدان، عرفا و دراویش نیز به سبب ارادت خاص خود به آنها، بناهای وابسته بسیاری در آنجا ساخته و موقوفات زیادی

شاردن^۱ در سفرنامه خود به تاریخچه این زمین به قبل از دوران صفویه اشاراتی داشته است، اما در خصوص قدمت آن پیش از اسلام اطلاعاتی در دست نیست و به نظر می‌رسد که تاریخچه آن پیش از اسلام ریشه در اساطیر و باورهای مردم منطقه داشته است. از قدیمی‌ترین آثار مربوط به دوران قبل از اسلام، می‌توان به قبر یوشع بن نون، یکی از اولیا و انبیا بنی‌اسرائیل در تکیه لسان‌الارض^۲ اشاره کرد که هویت این شخصیت مذهبی، دقیقاً مشخص نمی‌باشد. این گورستان در طول تاریخ به نام‌های، لسان‌الارض، تخت فولاد و مزار بابا رکن‌الدین^۳ شهرت داشته که برای هر کدام وجوهی ذکر شده است که به تنها یک روایت، در وجه تسمیه این قبرستان، کفایت می‌کنیم.

لسان‌الارض: در سوره فصلت (آیه ۱۱) ذکر شده است، که گاهی که حق جل و علا، خطاب به آسمان‌ها و زمین فرمود: به میل یا کراهت بیایید، در جواب گفتند: آمدیم از روی فرمانبرداری (ومیل) «پس زمین اصفهان خدای را اجابت کرد و فرمان پذیرفت، پس اصفهان دهان و زبان دنیا است» (اصفهانی، ۱۳۷۷، ۴۱).

تخت فولاد: شاردن در سفرنامه خود پس از شرحی که راجع به الهوردیخان^۴ و محمد علی بیک^۵ آمده است، می‌نویسد: «در ماورای آنها تخت فولاد واقع شده است که به مناسبت سکونت سردار بزرگی در آنجا که به واسطه پیروزی‌هایش - پولاد بازو-

البته قبوری نیز وجود دارند که دارای متن کوتاه و بدون حاشیه می‌باشند.

نوع سنگ و حجاری

حجاری سنگ قبور به سه شکل گود، برجسته و ترکیبی کار می‌شده است. در فرآیند انتخاب سنگ نیز، حجاران دقت لازم را می‌کردند و از معادنی سنگ انتخاب می‌کردند که شرایط محیطی و آب و هوایی نظیر اصفهان را داشته باشد. مثلاً سنگ سیاه را از نجف آباد، سنگ مرمر سفید را از کرمان و سنگ مرمر سبز را از یزد تهیه می‌کردند، در این فرآیند، حجاران مسائلی هم چون دوام و استحکام، رنگ و نوع طرح را نیز مدنظر قرار می‌دادند. آجر لعاب‌دار نیز که زمینه‌ای دیگر برای تبلور نقش و رنگ می‌باشد، در اندک قبور تخت فولاد دیده می‌شود.

خطوط سنگ نوشته‌ها

بدون شک خط و کتابت یکی از مهم‌ترین موضوعات تزئینی و مهم‌ترین وسیله و عامل هنرنمایی بوده است، خطوطی که در سنگ‌نوشته‌های تخت فولاد به کار رفته است شامل، خط کوفی، ثلث، رفاع، تعلیق، نسخ، نستعلیق، طغرا و مسلسل می‌باشد.

نقوش

هنرمندان همیشه مترصد بهانه و توجیه فلسفی کارهای خویش‌اند و برای مردمی کردن آثار خود و رابطه میان هنر خود و عقاید دینی، از تصاویر و خطوط کمک می‌گیرند و نوک قلم را بر سنگ بی‌جان کشیده و روح و طراوت به آن می‌بخشیدند. نقش‌مایه‌های سنگ قبور قبرستان تخت فولاد را می‌توان به پنج گروه ۱. نقوش گیاهی ۲. نقوش حیوانی ۳. نقوش انسانی ۴. نقوش ابزار و اشیا ۵. نقوش انتزاعی و هندسی، تقسیم‌بندی کرد، که به نظر می‌رسد، «این تصاویر به نحوی با اعتقادات جاودانگی روح ارتباط دارد و بدون شک این تصاویر تحت تاثیر عقاید مذهبی و روایات و باورها قرار گرفته است» (فقیه میرزایی، ۱۳۸۴، ۲۲۵). رمزپردازی یا نمادگرایی از ابزارهای هنرمندان کهن، برای بیان مفاهیم است و در فراسوی مرزهای ارتباطی جای دارد. کامل‌ترین تابلوهای حجاری شده در این قبرستان، هم‌نشینی هم‌زمان نقوش حیوانی، گیاهی، انسانی از جمله فرشته در قالب نقوش هندسی و انتزاعی می‌باشد (جدول ۳). که از جمله معانی نمادین این گونه طرح‌ها می‌توان به بهشت و دنیای جاودان اشاره کرد. در ادامه به بررسی نقوش و نمادهای به کار رفته بر روی سنگ نوشته‌ها می‌پردازیم.

نقوش گیاهی

از نمونه‌های نقوش گیاهی سنگ قبور تخت فولاد می‌توان به انواع درخت از جمله درخت سرو و گل بوته‌هایی اشاره کرد که در طبیعت نمونه آن وجود ندارد و با برگ‌ها و شاخه‌های ریز تزئین شده، به زیبایی و پرکاری آن افزوده می‌گردد. حجاری

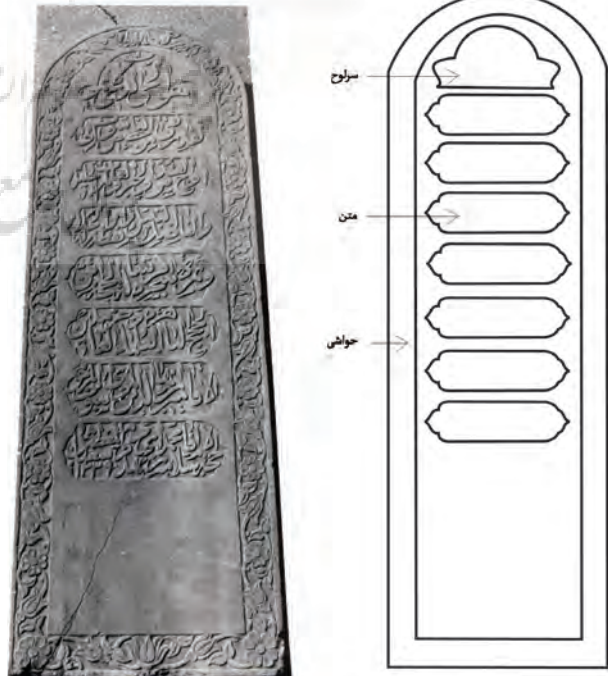
بر آن وقف کردند» (فقیه میرزایی، ۱۳۸۴، ۱۳۱). از عناصر و فضاهای کالبدی می‌توان به تکایا، مساجد، مصلی‌ها، خانقاه‌ها، آب انبارها، یخچال‌ها، سقاخانه‌ها، سنگاب‌ها، ضیافت‌خانه‌ها، کاروانسراها، غسالخانه‌ها، قربانگاه‌ها، ریاضت‌خانه‌ها، چله‌خانه‌ها و سنگ قبور و ... اشاره کرد.

سنگ نوشته‌های تخت فولاد

سنگ نوشته‌های قبرستان تخت فولاد در قالب کتیبه و سنگ قبر خودنمایی می‌کند. سنگ قبرهای این گورستان عظیم، موزه‌ای است از ذوق و قریحه شاعران، با خطوط زیبای خطاطان و قلم هنرمندان حجاران و سنگ‌تراشان، که جای بسی تامل دارد. این سنگ قبرها به سه شکل افقی (خوابیده)، عمودی (افراشته) و عمودی - افقی دیده می‌شوند، که به نظر می‌رسد، چگونگی انتخاب هر یک از این نمونه‌ها، تنها به سلیقه شخصی و ویژگی فضایی و مکانی محل دفن مرتبط می‌باشد.

نوشتار سنگ نوشته‌ها

نوشتار سنگ قبرها عموماً به سه قسمت تقسیم می‌شوند:
۱. سرلوحه یا آغازین: عبارتی است که بر فراز متن نوشته می‌آید.
۲. متن سنگ نوشته: قسمت اعظم سنگ نوشته به آن اختصاص داده شده است و شامل نام شخص متوفی، تاریخ تولد، فوت و همچنین گاهی شغل او نیز می‌باشد.
۳. حواشی: در آن به تزئینات یا نگارش شعری زیبا پرداخته شده است (تصویر ۱).

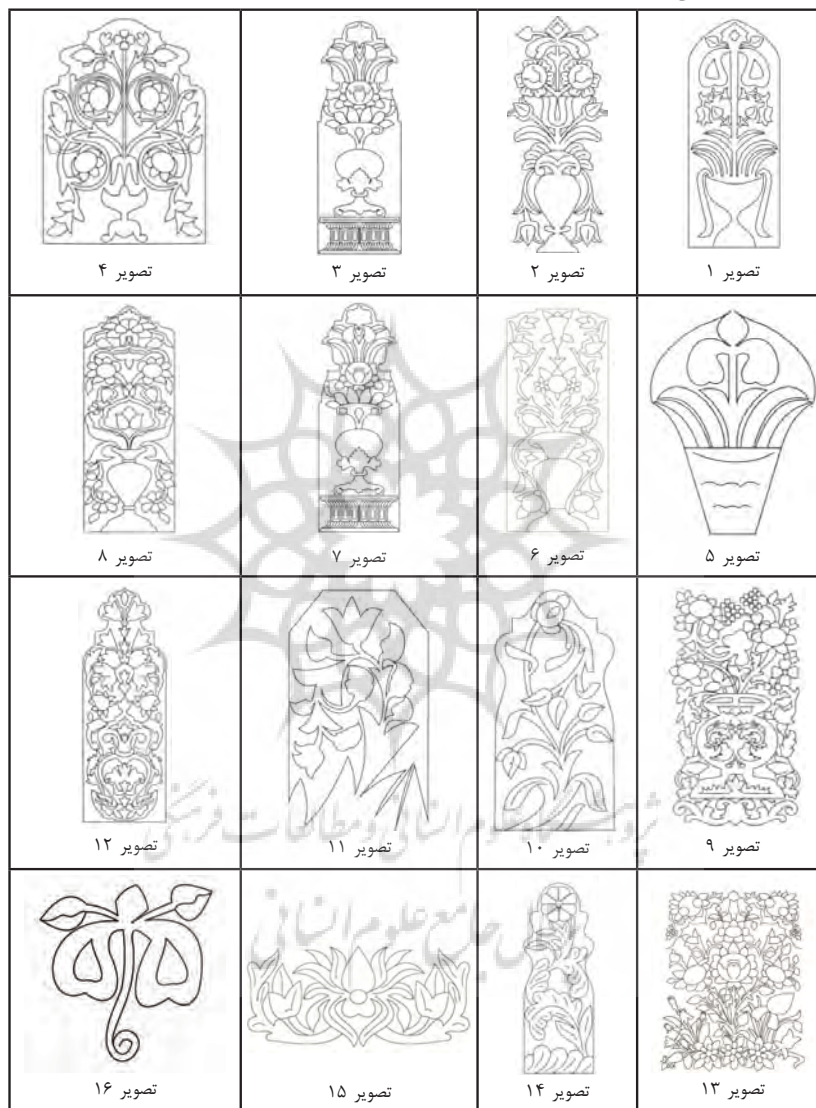


تصویر ۱- بخش‌های موجود بر سنگ قبرها.
ماخذ: (مجموعه افلاکیان)

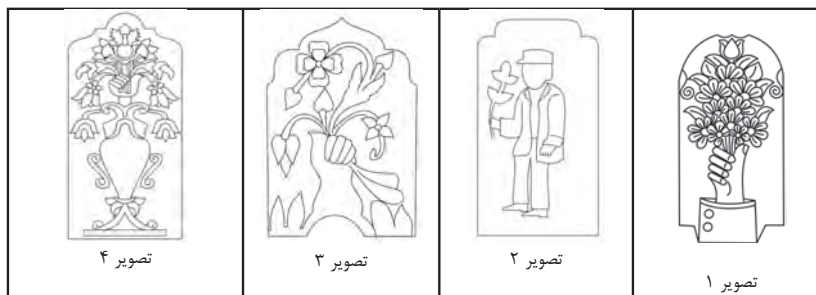
انسان و ژرف‌ترین خواسته‌های او بوده است. این تصویر مثالی، زاینده انبوهی رمز است که در شاخه‌های بسیاری گسترش می‌یابد و در بستر اساطیر، ادیان، هنرها و ادبیات تمدن‌های گوناگون شکل و معنا می‌گیرند «در جهان اعتقادی انسان، درخت با وجود بی‌حرکی، نمادی از تولد و رشد و تکامل و به طور کلی زندگی دانسته شده و هم جلوه‌های قدسی یافته

گل و گیاه علاوه بر پرکردن فضای خالی قبور و با توجه به جنبه زیبایی‌شناسی آن، بعد از آمیخته‌شدن مذهب با زندگی مردم معانی نمادین و شکل‌های خاص دیگری یافت (جدول ۱). همچنین از نمونه‌های نقش گل می‌توان به نقش گل در دست انسان اشاره کرد که بر تعدادی از قبور دیده شده است (جدول ۲). از دورترین ایام، تصویر مثالی درخت به مثابه آئینه تمام نمای

جدول ۱- نمونه‌هایی از نقش گل و گیاه (گلدان) بر روی قبور تخت فولاد.



جدول ۲- نمونه‌هایی از نقش گل در دست بر روی قبور تخت فولاد.



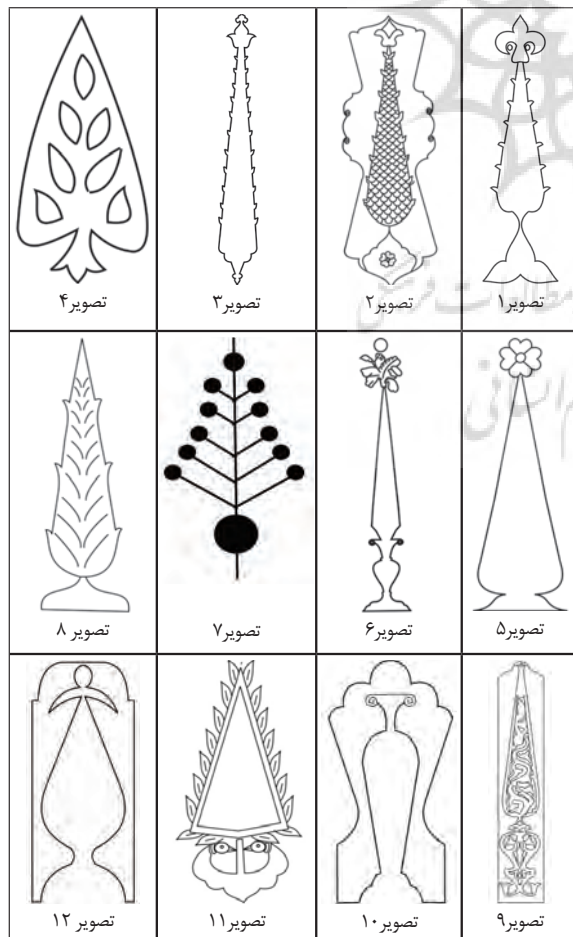
و حیات جاوید در ارتباط است. در غالب سنگ نوشته‌ها، گل بوته‌ها در گلدان‌هایی تصویر گردیده است، که می‌توان گلدان را سمبل آرامگاه و جایگاه اصلی دانست و گل و بوته در آن را نقش درگذشتگانی دانست که به سوی خدا رجعت کرده و در گلدان ابدی جای گرفته‌اند (جدول ۱، تصویر ۱-۹).

یکی از انبوه طرح‌هایی که در سنگ قبور این گورستان دیده می‌شود، نقوشی از درخت و یا گل بوته می‌باشد، که در قسمت پایین آن دو پرنده، روبرو یا پشت به هم در کنار و یا متصل به آن حجاری گردیده، که به نظر می‌رسد سنگ‌تراش، همان درخت زندگی را مدنظر داشته که توسط دو پرنده محافظت می‌گردند و پرنده روی برخی از این درخت‌ها نیز، می‌تواند اشاره‌ای به روح شخص متوفی باشد (جدول ۳). همچنین همراهی گیاه و آب نیز که نمود آن در سنگ قبور، گودالی است حوض مانند (معروف به طشت آب) که در باور محلی آبشخوری است برای پرندگان و نثار ثواب آن به روح متوفی؛ و یا شاید طراوت روح مردگان تلقی می‌گردیده است (تصویر ۲). این هم‌نشینی توسط اسطوره‌شناسان و شاعران به کرات تأکید گردیده به عنوان مثال، گیلویک^{۱۱} شاعر می‌گوید: «آری آب جریان دارد و درخت انتظار می‌کشد، آب در گودی زمین می‌ریزد، در جسم درخت می‌ریزد، و درخت انتظار می‌کشد» (ستاری، ۱۳۸۷، ۲۰).

است، درخت صورت مثالی زندگی و نماد تطور و نوشدگی است» (غنی نژاد، ۱۳۷۹، ۴۶). رشد مداوم گیاهان، نشانه تجدید حیات ادواری و یادآور اسطوره بازگشت جاودانه به اصلی واحد است، از این رو در اساطیر آفرینش از درختان مقدسی چون درخت آفرینش، شجره ممنوعه، درخت معرفت و ... یاد می‌شود.

یکی از مهم‌ترین نقوش تجریدی و نمادین درخت در هنر ایرانی، درخت زندگی است که شاید تبلور آن در سنگ قبرها را بتوان درخت سرو در نظر گرفت که از جمله درخت‌هایی است که وجه اساطیری قوی‌تری نسبت به سایرین دارد و از درختان نمادین و مقدس و زندگی‌بخش به شمار می‌رفته است. در برخی از متون غربی درخت سرو «نماد درخت بهشتی و خوش‌اقبالی بوده است»^{۱۲}. سبز بودن درخت سرو، به آن وجه‌های تقدس‌گونه و جاودانه بخشیده است (جدول ۴). سرو در ایران باستان مقدس شمرده شده است، همانطور که در تخت جمشید نمونه‌های آن دیده می‌شود، گروهی بر این باورند سروی تحت عنوان مینوپسند مربوط به نور ایزد اهورامزدا و حتی به شخص زرتشت است، اما وجه غالب نمادین این درخت در اکثر اسطوره‌ها با گرفتن رنگ‌مایه مذهبی اشاره به رمز جاودانگی و نامیرایی و حیات پس از مرگ است، درست مطابق مفهوم درخت زندگی که با ابدیت

جدول ۳- نمونه‌هایی از هم‌نشینی گل، گیاه، پرنده و انسان بر روی قبور تخت فولاد. جدول ۴- نمونه‌هایی از نقش سرو بر روی قبور تخت فولاد.



نقوش حیوانی

از جمله نقوش دیگری که روی سنگ قبور دیده می‌شود، نقش حیوانات مختلف است که می‌توان آنها را به سه دسته کلی تقسیم کرد: ۱. چهارپایان ۲. آبزینان ۳. پرندگان.

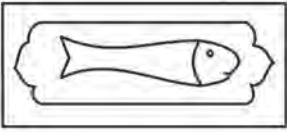
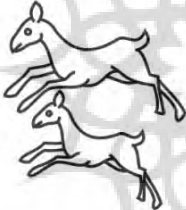

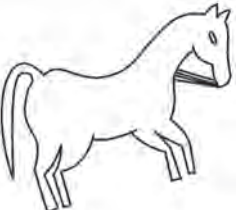

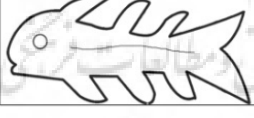
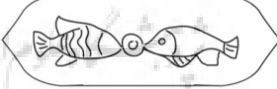







از جمله نقوش جانوری که بیشتر جلب توجه می‌کند می‌توان به نقش مایه‌های شیر، ماهی، بزکوهی، آهو، اسب، سگ شکاری (در صحنه شکار)، گوسفند، سگ و... اشاره نمود (جدول ۵). تصاویر حیوانی در سنگ قبور این گورستان در کنار نقوش گیاهی بیشترین مورد استفاده را داشته، علیرغم اینکه این نقوش به صورت محدودی در کنار نقوش انسانی و نقوش اشیا نیز جلب توجه می‌کند.

اسب: تصویر اسب با سوار در حال انجام حرفه و یا در کنار نقوش اشیاء و ابزار و یا به تنهایی در سنگ قبور این گورستان، تصویر گردیده است. این حیوان پیش از اسلام و در اساطیر، متون کهن دینی، شاهنامه و... دارای نقشی بسیار ارزشمند و مورد ستایش است. به غیر از استفاده رایج آن مانند حمل و نقل و شکار، کارکردهای آئینی، اقتصادی، رزمی، بزمی، تزئینی و تشریفاتی نیز داشته است. پس از اسلام در قرآن و متون اسلامی از سرشت نیک و اهمیت این موجود بسیار سخن به میان آمده است (جدول ۶، تصویر ۵-۸).



تصویر ۲- دو گلدان و حفره که محل نگهداری آب بر روی سنگ قبور است. ماخذ: (مجموعه افلاکیان)

جدول ۵- نمونه‌هایی از نقش حیوانات بر روی قبور تخت فولاد.

			
ماهی	آهو	اسب	اسب
			
ماهی	ماهی	ماهی	ماهی
			
گوسفند	شیر و خورشید	شیر	شیر
			
		سگ	گوسفند

معمولاً استفاده از آهو را کنایه از گذر سریع و برق آسای عمر انسان می‌دانند» (فضلی، ۱۳۸۷، ۳۱۲).
پرنده: نقش پرنده در هنر ایران زمین بسیار مورد توجه بوده و به همین جهت بر روی سفال، پارچه قلمکار، قلمزنی، جلد کتاب‌ها و حتی روی سنگ قبرها و طرح فرش‌ها نیز جایگاه ویژه‌ای داشته،

آهو: این حیوان علف‌خوار در تمام اساطیر شرق حضور داشته و خودنمایی می‌کند، در معانی اسطوره‌شناسی، آهو اساساً نماد زنانگی است و زیبایی او در برق خارق‌العاده چشمانش نهفته است. نقش آهو در سنگ قبور در بستر نقوش گیاهی و یا در صحنه شکار در حال دویدن دیده می‌شود (جدول ۶، تصویر ۷). «هنرمندان اسلامی

جدول ۶- نمونه‌هایی از هم‌نشینی نقش حیوان، گیاه و انسان بر روی قبور تخت فولاد.

 تصویر ۵	 تصویر ۴	 تصویر ۳	 تصویر ۲	 تصویر ۱
 تصویر ۱۰	 تصویر ۹	 تصویر ۸	 تصویر ۷	 تصویر ۶
 تصویر ۱۵	 تصویر ۱۴	 تصویر ۱۳	 تصویر ۱۲	 تصویر ۱۱
 تصویر ۲۰	 تصویر ۱۹	 تصویر ۱۸	 تصویر ۱۷	 تصویر ۱۶

باورهای انسانی داشته است. شیر در هنر و در فرهنگ بسیاری از ملت‌ها به عنوان سمبل شجاعت، قدرت، دلاوری، آتش، پرتو خورشید، پیروزی، روح زندگی، سلطنت، عقل، غرور، مراقبت و محافظت شناخته شده است. نقش شیر در قبرستان تخت فولاد به سه صورت نقش برجسته و گود و مجسمه دیده می‌شود. حضور این نماد بر روی سنگ قبرها را می‌توان به گونه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد.

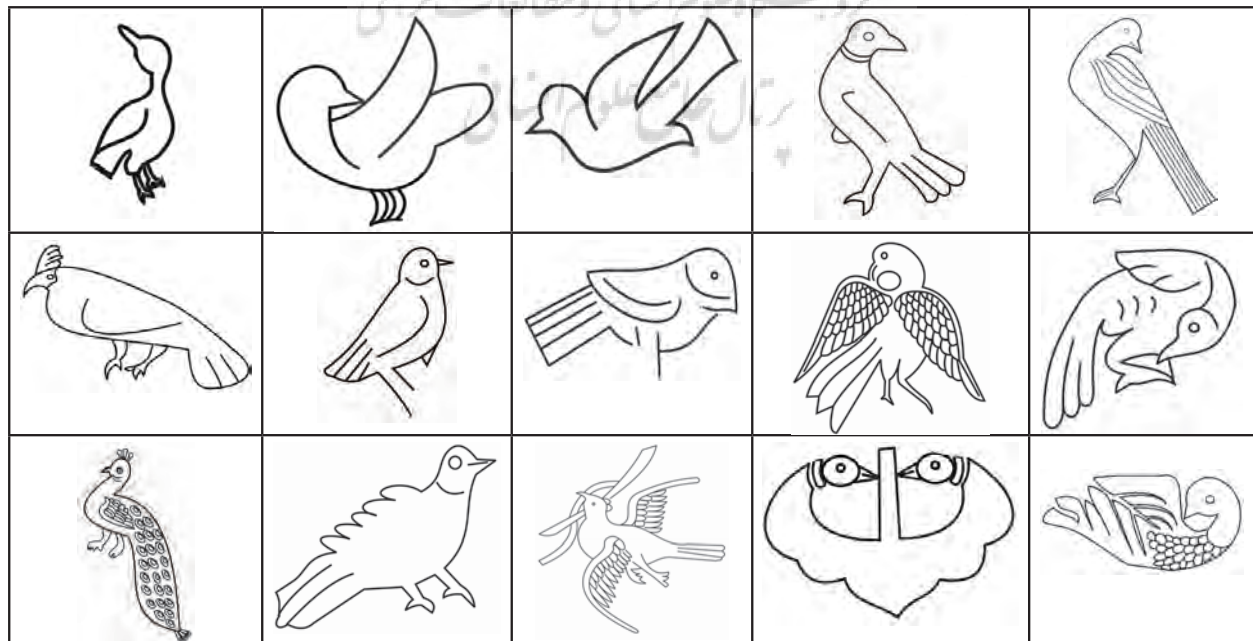
۱. مظهر مرگ، ابدیت و جاودانگی: شاید بتوان نقش شیر را با زروان (خدای زمان) ارتباط داد. از آن جهت که شیر قدرت فایقه‌ای در امر کشتن دارد و سر زروان خدای زمان را نیز، به صورت شیر کشیده‌اند که نمادی است از قدرت مرگ‌آور زمان، و در همین رابطه «شاید بتوان شیر را در ارتباط با خدای زمان نماد جاودانگی در زمان بی پایان دانست» (خودی، ۱۳۸۵، ۱۰۰).

۲. نشانه محافظت و نگهبان: در آیین میتراثیسم، خورشید همان مهر و شیر هم نگهبان میترا است و مقام والایی دارد. بنابراین نماد شیر و خورشید، که در طی سالیان دراز، به صورت‌های مختلف در میان بسیاری از آثار هنری باقی مانده، نمایانگر باوری است که شیر را به عنوان نگهبان و محافظ تلقی می‌کرده‌اند. «شیر در میان ملل مختلف به عنوان نگهبان پرستشگاه‌ها، مقبره‌ها و آرامگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته و تصور می‌شد که درنده خویی این حیوان موجب دور کردن تاثیرات زیان آور باشد» (هال، ۱۳۸۰، ۶۱).

۳. نماد شجاعت و دلاوری: استفاده از شیر سنگی بر روی سنگ قبر، با توجه به قیودات مذهبی اسلامی در منع استفاده از مجسمه، مطمئناً به گذشته‌های دور باز می‌گردد، ولی بعد از اسلام در ایران، دامنه‌های زاگرس را همان‌گونه که زادگاه شیر ایرانی بوده است، زادگاه اصلی این گونه مجسمه‌ها می‌دانند، که

نقش پرندگان نشانه‌ایست از پرواز و اوج گرفتن که در فلسفه و عرفان نشان از عروج روح انسان و پرواز به سوی عالم غیرمادی دارد (جدول ۷). پرنده سمبل آزادی و رهایی روح از بند تن و عالم خاکی است. نقش پرنده معمولاً به همراه شاخسار و گل که اشاره‌ای به رمز زندگی و حیات دارد، با یک مفهوم مشترک در کنار هم قرار می‌گیرند. در این ارتباط، تک پرنده نشسته بر بالای درخت سرو را می‌توان مشاهده کرد که می‌تواند اشاره‌ای به روح شخص متوفی باشد. برخی بر این باورند که پس از مرگ و جدایی روح از بدن، روح به شکل پرنده درمی‌آید. «پرنده نماد گستره روح است و در ایران باستان، مرغان و پرندگان، مظهر ابر و پیک باران بوده‌اند» (پرهام، ۱۳۷۱، ۱۵۴). در میان انواع طرح‌های پرنده، به نقش طاووس بر روی سنگ قبور می‌توان اشاره کرد. طاووس حیوان صدچشم معرفی شده، این پرنده علامت سعادت ابدی است و نشان‌دهنده دیدار روح با خداوندی خدا است. مسیحیان طاووس را چرخ خورشید و علامت جاودانگی می‌دانند و نیز دم طاووس را یادآور آسمان پرستاره طلقی می‌کنند (جدول ۶، تصویر ۲۰). «طاووس در اسلام نمادی کیهانی است. در یک حکایت صوفیانه که احتمالاً از اصل پارسی، آمده است که، خداوند ذات را به شکل طاووس فرستاد و در آئینه ماهیت الهی، صورت خود را به او نشان داد؛ از هیبت الهی چنان حالی به طاووس رفت که قطرات عرق از او جاری شد و تمام مخلوقات از این قطرات خلقت شدند» (فضلی، ۱۳۸۷، ۴۶۵). در سنت عرفانی، طاووس نماد تمامیت است. علاوه بر طاووس، پرندگان دیگری نیز از جمله، پرستو، هدهد، کبوتر، عقاب، مرغابی، کبک و... در حالت نشسته یا پرواز و در اکثر تصاویر به صورت نیمرخ دیده می‌شود، که هنرمند کوشیده است با توجه به ساده کردن آنها شکل واقعی آن از بین نرود و برای بیننده آشنا باشد (جدول ۶). شیر: شیر از دیرباز مورد توجه بوده و جایگاهی خاص در میان

جدول ۷- نمونه‌هایی از نقش پرنده بر روی قبور تخت فولاد.



نقش شیر به تنهایی یا به همراه خورشید، با مفهوم مذهبی بیشتری مورد توجه قرار گرفت، به این ترتیب که خورشید به عنوان نماد پیامبر و شیر به عنوان حضرت علی(ع) منظور می‌گردید و «کاربرد شیرهای سنگی در امامزاده‌ها و یا روی سنگ قبور از همین اعتقاد ناشی می‌شده است، به طوری که بر شانه راست این شیرهای سنگی، خورشید و در سمت چپ آنها، شمشیر قرار دارد» (خزایی، ۱۳۸۱، ۵۵). همان طور که اشاره شد در آیین میتراثیسم مقام والایی داشت و پس از گرویدن ایرانیان به دین اسلام (با توجه به منع استفاده از مجسمه) با دقت ایرانیان عملکردی تازه یافت و اعتقادات سنتی و مذهبی جدیدی به آن افزوده شد.

ماهی

یکی از نقش‌مایه‌هایی که در آثار هنری قبل و بعد از اسلام به فراوانی یافت می‌گردد، ماهی می‌باشد. ماهی علاوه بر زیبایی فوق‌العاده در شکل، دربرگیرنده مفاهیم مستقیم و نمادین بسیاری است، که موجب گردیده تا هنرمندان اعصار مختلف چه در ایران و چه در فرهنگ‌های دیگر با افزودن مفاهیم و معانی، به ترسیم و خلق دوباره آن بپردازند (جدول ۵). ماهی علاوه بر نقش مهمی که در ایران باستان و اساطیرشان داشته، در فرهنگ اسلامی نیز از جایگاه قابل تاملی برخوردار بوده که بازتاب آن به ویژه در شعر و ادبیات و هنر ایرانی با پیوندی درونی و هم‌خوانی ذاتی گره خورده است. حضور این نماد در سنگ قبرهای تخت فولاد اصفهان به صورت تکی و یا جمعی، در قاب (حوض مانند) و یا خارج از آن به شکل‌های خاردار و ساده دیده می‌شود که با توجه به تک‌رنگ بودن اکثر قبرهای سنگی، رنگ ماهی موردنظر حجار مشخص نمی‌باشد اما با توجه به باورهای ایرانیان به نظر می‌رسد که ماهی

علاوه بر تمام مناطق لرزشین، استان‌های چهار محال بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و فارس، برخی از شهرهای سایر مناطق از جمله اصفهان نیز دارای شیرهای سنگی پراهمیتی می‌باشد. با رنگ‌مایه گرفتن باورهای مردم با اعتقادات اسلامی، همچنین علاقه ایرانیان به حضرت علی(ع) که در شجاعت و دلاوری، آن حضرت را به شیر مثل می‌زنند و او را به اسدالله (شیرخدا) لقب داده‌اند، همچنین، با توجه به روایاتی که از برخورد حضرت علی(ع) با شیر نقل شده است، بهترین و مناسب‌ترین موقعیت را برای کار گذاشتن شیر و زنده نگهداشتن این سنت به وجود می‌آورد، بنابراین، استفاده از مجسمه شیر، را می‌توان مظهري از شجاعت و مردانگی آن حضرت دانست. شیرهای سنگی را معمولاً بر روی سنگ قبر جوانانی می‌گذاشتند که با شهامت و شجاعت کشته می‌شدند. بر روی برخی از این شیرهای سنگی، نقش‌مایه‌هایی مانند: شمشیر، سپر، نیزه، اسب، تبر، تپانچه، چاقو و... حک شده که می‌تواند تأکیدی بر شجاعت و جنگ‌آوری شخص متوفی باشد (تصویر ۳).

۴. ارتباط شیر و علوم نجومی: «در نجوم سنتی، شیر نماینده برج پنجم از دوازده برج فلکی (اسد) است» (فرهنگ دهخدا). از نظر منجمان، هر گاه خورشید در برج اسد قرار گیرد، زمان آسایش و آرامش است و خورشید در نیرومندترین وضعیت خود قرار دارد. برج اسد با نقش شیر نشان داده می‌شود، و این برج مطابق با مردادماه، یعنی اوج گرمی و درخشندگی تابستان است. روی کمر و بالای ران بیشتر شیرهای سنگی، نقشی به صورت شمسه تزئینی یا ستاره حک شده است که نماد خورشید می‌باشد و این به علت رابطه نجومی میان شیر و خورشید بوده است.

۵. شیر و مفاهیم مذهبی (اسلامی): هر چند مفهوم نجومی شیر، مورد توجه هنرمندان بوده، ولی از اواخر دوره سلجوقی،



تصویر ۳- نقوش حک شده بر شیر سنگی.

سیطره اسلام بر این سرزمین و اشارات داستان وار و اساطیری کتاب مقدس مسلمانان (قرآن کریم)، برخی باورها تاکید و برخی از نوبه بار معنایی این موجود اضافه گردید. در روایتی «این ماهی بر دریا، دریا بر باد و باد بر قدرت قرار دارد. گویند آن ماهی استکبار کرد و به خود متعجب شد و خواست که جهان زیر و رو کند. خدا پشه‌ای بیافرید تا بینی او در شد و بیرون شد و پیش روی او بنشست. از آنگاه چشم آن ماهی بازمانده است و در آن پشه همی می‌نگرد» (یا حقی، ۱۳۸۶، ۷۴۸). حضرت یونس به واسطه خطایی که مرتکب شد، در شکم ماهی گرفتار شد و از انوار بامداد زندگانی محروم و محبوب ماند: اما با تسبیح خداوند از شکم ماهی (کالبدی مادی) رهایی یابد والا در همان کالبد هضم و ناپدید خواهد گشت.

ماهی در حوض (طشت آب) نقشی معمول در روی سنگ قبور است که می‌تواند نماد انسان بهشتی (انسان کامل) باشد که درون حوض کوثر، غسل داده شده و تطهیر می‌شود (تصویر ۴).

نقوش انسانی



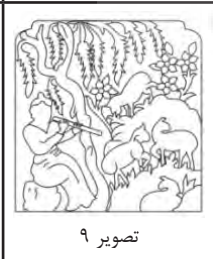
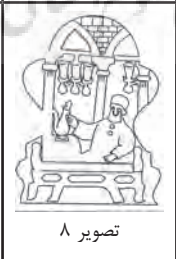


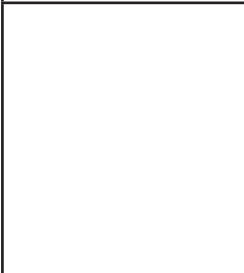
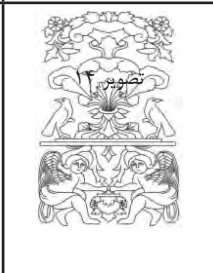
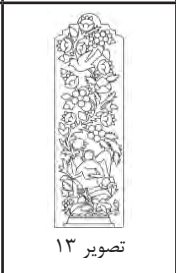
انسان در سنگ قبور تخت فولاد به صورت سوار بر اسب و در حال انجام حرفه و... دیده می‌شود. علاوه بر این تصاویر، نقش فرشته را نیز که بر روی تعداد معدودی از سنگ قبرها به چشم می‌خورد، می‌توان در این تقسیم‌بندی قرار داد. این نقش مایه مظهر روح و زندگی جاویدان و دنیای ماوراءالطبیعه که خاستگاه معاد انسانی است، می‌باشد (جدول ۸).

قرمز می‌تواند نظریه‌ای نزدیک‌تر در شناخت تاویلی نظر هنرمند حجار باشد. نگارنده حضور این نماد را در فرهنگ ایران باستان و دوره اسلامی و با نگاهی اجمالی به وجود این نقش در تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر، در طبقه‌بندی زیر مورد نظر قرار می‌دهد.

۱. ماهی در باورهای ایران باستان (پیش از اسلام): «در آیین مهر، باور بر این بوده که مهر (میترا) درون آب متولد شده است. به همین دلیل در آثار این آیین، مهر را به صورت کودکی بر روی نیلوفر آبی و در حال بیرون آمدن از آب با دو ماهی دلفین تصویر می‌کنند» (حصوری، ۱۳۸۱، ۴۳). از نمادهای ایزدبانو آناهیتا به ماهی نیز اشاراتی شده است. در بندهشن نیز ماهی، در فهرست چهار عنصر مونث جهان بیان شده است. «همچنین در اوستا از دو ماهی مینوی یاد می‌شود که اورمزد آنان را مامور حراست و نگهداری گیاه گوگرد از آسیب اهریمن نموده است این گیاه که هوم سپید نیز نامیده شده، گیاهی اساطیری است که ته دریای فراخکرد می‌روید و بی‌مرگی می‌آورد و در بازسازی جهان یا فرسنگرد به کار خواهد آمد» (آموزگار، ۱۳۸۶، ۳۳). بودن ماهی در سفره هفت سین جشن نوروز، دیگر نشانه اهمیت این موجود، نزد ایرانیان می‌باشد، از آنجا که ماهی در آب است و آب زلال و پاک، نشان‌دهنده شادابی و تازگی است و جنبش و تحرک این موجود، پویایی و سرزندگی به ارمغان می‌آورد و از دیگر باورها و اعتقادات ایرانیان باستان می‌توان به بودن جهان در پشت ماهی اشاره نمود.

۲. ماهی در باورهای دینی (اسلامی): در گذر از ایران باستان و با

جدول ۸ - نمونه‌هایی از نقش انسان و فرشته بر روی سنگ قبور تخت فولاد.

نقوش هندسی و انتزاعی

در دوران هنر اسلام و نمود آن در نقش سنگ قبرها، برای دوری جستن از واقعیت مادی و نزدیکی به بطن حقیقت الهی، نقش‌ها از حالت طبیعی دور شده و به گونه‌ای تزئینی و تجریدی جلوه‌گر می‌شود، از جمله نقوش هندسی، دایره می‌باشد که کامل‌ترین شکل و از نظر نمادین در تمام دوره‌ها اهمیت تاریخی ویژه‌ای داشته است «دایره علاوه بر مفهوم کمال، نمادی از خلق جهان و نیز مفهوم زمان است. دایره نمادی است از حرکت پیوسته و مدور آسمان و با الوهیت نیز در ارتباط است، همچنین



تصویر ۴- نمونه طشت آب، نقش ماهی در حوض.



جدول ۹- نمونه‌هایی از نقوش هندسی «محراب و سرلوح» بر روی سنگ قبور تخت فولاد.

تصویر ۵، محراب	تصویر ۴، محراب	تصویر ۳، محراب	تصویر ۲، اسلیمی و ختایی	تصویر ۱، اسلیمی و ختایی
تصویر ۱۰، سرلوح	تصویر ۹، محراب	تصویر ۸، محراب	تصویر ۷، محراب	تصویر ۶، محراب
تصویر ۱۵، گل چندپر	تصویر ۱۴، سرلوح	تصویر ۱۳، سرلوح	تصویر ۱۲، سرلوح	تصویر ۱۱، سرلوح
تصویر ۲۰، طشت آب	تصویر ۱۹، طشت آب	تصویر ۱۸، طشت آب	تصویر ۱۷، گل چندپر	تصویر ۱۶، گل چندپر
تصویر ۲۵، اشکال هندسی	تصویر ۲۴، اشکال هندسی	تصویر ۲۳، اشکال هندسی	تصویر ۲۲، اشکال هندسی	تصویر ۲۱، اشکال هندسی

نقوش هندسی ساده شده به طرح محراب می‌توان اشاره کرد که در غالب شکل کالبدی قبور و همچنین کادرهای محرابی متبلور می‌گردد (جدول ۹، تصاویر ۳-۹). طرح محراب یک نماد معماری جهانی است و به روشنی یادآور غار سرپوشیده به وسیله آسمان و تحت حمایت زمین است و احتمالاً به دوران قبل از اسلام باز می‌گردد، اما در دوران اسلامی و خلفای اموی این طرح، دوباره بازسازی و به ویژه در مساجد، نقش و اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و برخی وجود آن را با معابد آیین مهر که مهرابه نامیده می‌شده مرتبط می‌دانند و با توجه به اهمیت آن، این نقش‌مایه را در هنرهای نقاشی، معماری، فرش، زیلو، حجاری و ... در بعد از

روح نیز معرفی شده است» (پویان، ۱۳۸۹، ۱۰۶). نقش دیگری که در سنگ قبور بسیار دیده می‌شود، نقوش اسلیمی و ختایی می‌باشد (جدول ۹، تصویر ۱-۲). اسلیمی با اینکه به اسلام تعلق نداشته، اما ویژه هنر اسلامی می‌باشد و با توجه به قدغن بودن ترسیم اشکال انسانی و حیوانی در اسلام، این تحریم با احتیاط علما و هنرمندان، با همراهی مفاهیمی چون کثرت در وحدت همراه گردید و اسلیمی نقش ویژه‌ای پیدا کرد که اساس آن را یک دایره اصلی و چند دایره فرعی تشکیل می‌داد که با آن انواع خطوط اسلیمی، ختایی و گل‌های چندپیر (که نماد گردونه خورشید است) ترسیم می‌شد (جدول ۹، تصاویر ۱۵-۱۷). از دیگر

جدول ۱۰- نمونه‌هایی از نقش اشیا، مشاغل و ... بر روی سنگ قبور تخت فولاد.

				
تصویر ۵، چتر	تصویر ۴، کشکول، تبرزین، تسبیح، شانه و طشت آب در شکل گل چندپیر	تصویر ۳، قفل	تصویر ۲، تسبیح، شانه و سرو	تصویر ۱، تسبیح، انگشتر و گل چندپیر
				
تصویر ۱۰، حرفه (بنا)	تصویر ۹، حرفه (خیاط)	تصویر ۸، حرفه (خیاط)	تصویر ۷، حرفه (آشپز)	تصویر ۶، کیاده، میل، سنگ و تخته شنا (پهلوان)
				
تصویر ۱۵، حرفه (میوه فروش)	تصویر ۱۴، حرفه (مقنی)	تصویر ۱۳، حرفه (حمامی)	تصویر ۱۲، حرفه (قهوه چی)	تصویر ۱۱، حرفه (زغالی)
				
تصویر ۲۰، حرفه (نظامی)	تصویر ۱۹، حرفه (چوپان)	تصویر ۱۸، حرفه (چوپان)	تصویر ۱۷، حرفه (نانوا)	تصویر ۱۶، حرفه (میوه فروش)
				
			تصویر ۲۲، عصا	تصویر ۲۱، حرفه (حلاف)

حامی، آشپز، حلاف، قهوه‌چی، معمار و بنا، مقنی، نانوا، خیاط، بقال، پهلوان، میوه فروش، آهنگر، تراشکار، پزشک، قاضی، زغالی، نویسنده، چوپان و ... اشاره کرد. برخی از این ابزارآلات علاوه بر اینکه ابزارآلات حرفه متوفی محسوب می‌گردد، جنبه نمادین نیز دارد مانند قیچی که علاوه بر شغل متوفی که خیاط می‌باشد، نمادی از مرگ و قطع رشته حیات نیز می‌باشد. یکی دیگر از مواردی که از لحاظ مردم‌شناسی حائز اهمیت است، وجود نقوش و احجامی است که شناسایی سنگ قبور زنان و مردان را برای افراد عامی میسر می‌نموده است، مانند زائده‌ای که به نام «بالین» در بین مردم اصفهان مصطلح است. این زائده در بالای قبور و به صورت افقی، نشان از قبور مردان و زائده در بالا و پایین قبور به زن بودن متوفی اشاره دارد. در برخی از نوشته‌ها نیز برای تمیز جنسیت متوفی به شانه یک طرفه و دو طرفه اشاراتی گردیده است که با بررسی تطبیقی این نقش‌مایه با نوشته‌های روی قبور، نظر به اینکه شانه یک طرفه هم برای مردان و هم برای زنان در این قبرستان تصویر می‌شده است، نگارندگان این نظریه را حداقل در خصوص فرهنگ و باورهای بومی مردم اصفهان قابل قبول نمی‌دانند. از دیگر نقوش تصویر شده در سنگ قبور تخت فولاد، می‌توان به سپر، شمشیر، نیزه، تفنگ، خنجر، تبر، چاقو، انگشتر، کالسکه، کتاب، شیشه عطر، قفل، چتر، ماه، ستاره و ... اشاره کرد (جدول ۱۰).

اسلام به وفور می‌توان یافت.

دیگر نقش‌های هندسی که بیشتر به صورت کادربندی در تصاویر استفاده شده، می‌توان به دایره، نیم دایره، ربع دایره، مربع، لوزی، مستطیل، متوازی‌الاضلاع و مثلث و چند ضلعی‌های منتظم و ... اشاره کرد و در کنار این نقوش، نقش‌های هندسی نامنتظم و خاص نیز مانند ستاره و ... جلب توجه می‌نماید (جدول ۹).

نقوش ابزار و اشیا

با توجه به اشاراتی که در مطالب قبل مورد نظر قرار گرفت، علاوه بر نقوش حیوانی، گیاهی، انسانی و نقوش هندسی که اغلب جنبه نمادین داشته و برخورد هنرمند، رویکردی غیرمستقیم و کنایه‌وار بوده، نقوش دیگری یافت می‌گردد که فقط جنبه اطلاع‌رسانی داشته و نشانگر حالات معنوی و یا شغل متوفی بوده است مانند: کشکول و تبرزین که نشان از مشرب صوفیه دارد و مهر و تسبیح و جانماز، اشیایی است که شخص مومن، برای مراسم و شعائر مذهبی به کار می‌برده و شاید بیانگر تقوی و ایمان متوفی باشد و یا شغل متوفی که با ابزارآلات حرفه وی بر روی سنگ قبور تصویر می‌شده مانند: چنگک و وردنه که اشاره به نانوا بودن دارد، البته افراد بومی بر این باورند که اینها نشانه‌هایی برای شناخت قبور برای افراد بی‌سواد بوده است. از جمله حرفه‌هایی که در این قبرستان با نقوش مشخص گردیده‌اند می‌توان به

نتیجه

نقوش حیوانی از مهم‌ترین و زیباترین نقوش‌مایه‌هایی است که همجواری آن با نقوش گیاهی و انسانی، معانی نمادین متفاوتی را بازآفرینی می‌کند. در این رهگذر، نقش‌مایه شیر از دیرباز مورد توجه بوده و جایگاهی خاص در میان باورهای انسانی داشته است. شیر در هنر و فرهنگ بسیاری از ملت‌ها به عنوان سمبل شجاعت، قدرت، دلاوری، آتش، پرتو خورشید، پیروزی، روح زندگی، سلطنت، عقل، غرور، مراقبت و محافظت شناخته شده است. ماهی نیز از دیگر نقوش‌مایه‌هایی است که در آثار هنری قبل و بعد از اسلام به فراوانی یافت می‌گردد، که علاوه بر زیبایی فوق‌العاده در شکل، دربرگیرنده مفاهیم مستقیم و نمادین بسیاری است، که موجب گردیده تا هنرمندان اعصار مختلف چه در ایران و چه در فرهنگ‌های دیگر با افزودن مفاهیم و معانی، به ترسیم و خلق دوباره آن بپردازد. این نقوش که زمانی، دارای جنبه‌های مذهبی و نمادین بوده، با گذشت زمان، میزان استفاده از آنها کاهش یافته و معانی نمادین آنها به فراموشی سپرده شده است و با توجه به فرسایش هر روزه آثار و کم توجهی مسئولان، هم از لحاظ ظاهر و هم از بعد معناشناسی، نیاز به مطالعه‌ای ژرف در این خصوص احساس می‌گردد؛ چرا که این نقش‌مایه‌ها، جزئی از گنجینه‌های هنری این سرزمین محسوب می‌شوند و شناخت آنها خود به حفظ و تداوم نقوش کمک شایانی می‌کند.

سنگ قبور ارتباط خاصی با زندگی انسان داشته و بستر بارزشی برای به تصویر درآوردن افکار او بوده است. رودخانه افکاری که در عبور از بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، مسیر جدید خود را در عینیتی نو پیدا کرده و مقرر است، معنای آن، در رهگذر ذهنیت نگارندگان مقاله و تاویل مجدد آن توسط خواننده، در محیط اجتماعی امروز بازآفرینی گردد. به این مسیر، فرسایش هر روزه آثار را نیز اگر بیفزاییم، شاید دیگر کمتر اثری از معنای متصور پدیدآورنده اصلی اثر درک شود، ولی با این حال در این پژوهش سعی گردیده تا معنای نمادین نقوش‌مایه‌ها، در مسیر تاریخ طبقه‌بندی شده ایران باستان و بعد از اسلام با توجه به منابع موجود مورد نظر قرار گیرد.

از مضامین نهفته در شکل کالبدی سنگ قبور و یا نشانه‌هایی که در قالب حجم، بر روی سنگ قبور تخت فولاد اصفهان، نقش بسته است که بگذریم، خطوط و تصاویر به صورت سطح و خط، ابزار دیگری برای هنرمند حجار در تصویر مضامین است. این نقوش هیچ‌گاه صرفاً جنبه تزئینی نداشته و دارای مفاهیم ویژه‌ای بوده‌اند. همچنین این نقوش تجلی‌گاه اندیشه، ذوق و احساس مردمی است که در برخورد با تصاویر و نقوش دارای ادراکی نمادین بوده و رابطه بین صورت و معنای نقش را به خوبی می‌شناخته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱ سیاح فرانسوی.
- ۲ قدمت این تکیه به دوره دیالمیان می‌رسد در دوره صفویه قبریوش (ع)، از پیامبران بنی اسرائیل در یکی از اتاق‌های این تکیه قرار داشت.
- ۳ سردار زمان شاه عباس.
- ۴ نگارگر دوره صفوی.
- ۵ عارف ۹۵۹ هجری قمری.
- ۶ عالم، حکیم، فیلسوف بزرگ دوره صفوی.
- ۷ عالم، فقیه، حکیم، فیلسوف و زاهد.
- ۸ شاعر و عارف دوره قاجار.
- ۹ از خوشنویسان شیوه تعلیق و نستعلیق اواخر دوره زند و اوایل دوره قاجار.
- 10 Professor of Cimmunity Forestry and Tree Health (Dr. Kim D.codar).
- ۱۱ شاعر مشهور فرانسوی.

فهرست منابع

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۸). فرهنگ دهخدا، دانشگاه تهران، تهران.
- دوبوکور، مونیگ (۱۳۸۷)، رمزهای زنده جان، ترجمه: جلال ستاری، نشر مرکز، تهران.
- رضائی نبرد، امیر (۱۳۸۸)، جایگاه اسب در آثار محمود فرشچیان، نگره، شماره ۱۲، صص ۷۱-۹۴.
- سیروس، پرهام (۱۳۷۱)، دستیافت‌های عشایری و روستایی فارس، جلد دوم، نشر امیر کبیر، تهران.
- شایسته فر، مهناز و صباغ پور، طیبه (۱۳۸۸)، تاویل و تفسیر معانی نمادین نقش مایه ماهی در قالی‌های دوره صفویه با نظر به مثنوی معنوی مولانا، گنج‌نامه، شماره ۱۲، صص ۳۱-۵۴.
- شوالیه، ژان و برگر (۱۳۸۷)، فرهنگ نمادها، ترجمه: سودابه فضلی، انتشارات جیهون، تهران.
- شاهمندی، اکبر و شهیدانی، شهاب (۱۳۹۲)، نقش‌های ماندگار، ناشر مولف، تهران.
- فقیه میرزایی، گیلان و مخلص، محمد علی و حبیبی، زهرا (۱۳۸۴)، تخت فولاد یادمان تاریخی اصفهان، انتشارات شایک، تهران.
- عابد دوست، حسین و کاظم پور، زیبا (۱۳۹۰)، تداوم حیات نماد کوه و درخت در هنر تصویری کهن ایران و نقش آن در فرش‌های معاصر ایرانی، نگره، شماره ۲۰، صص ۲۱-۳۲.
- غنی نژاد، فهیمه (۱۳۷۹)، افسانه است و افسون، کتاب ماه هنر، شماره ۲۸ و ۲۷، صص ۴۴-۴۷.
- کوپر، جی سی (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه: ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران.
- کوهزاد، نازنین (۱۳۸۹)، تقدس نقش سرو در هنر ایران، نقش مایه، شماره ۵، صص ۷-۱۶.
- نوعانی، سمیه (۱۳۹۱)، بررسی نشانه‌های تصویری لوح زن ریسنده متعلق به دوران ایلام جدید، نگره، شماره ۲۳، صص ۳۱-۴۲.
- هواک، جان و مارتن، هانری (۱۳۸۲)، سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه: پرویز ورجاون، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، حال، جیمز (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌های نمادها، ترجمه: رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ هنر، تهران.
- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
- اصفهانی، احمدبن عبدالله ابونعیم (۱۳۷۷)، ذکر الاخبار اصفهان، مترجم: نورالله کسرابی، ناشر سروش، تهران.
- ادواردو سرلو، خوان (۱۳۸۹)، فرهنگ نمادها، ترجمه: مهرانگیز اوحدی، انتشارات داستان، تهران.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶)، تاریخ اساطیری ایران، نشر سمت، تهران.
- اعظم‌زاده، محمد و پورمند، حسنعلی (۱۳۸۸)، درآمدی بر نحوه‌شکل‌گیری نقوش در سنگ‌گورهای منطقه سفید چاه، هنرهای تجسمی، شماره ۳۹، صص ۹۵-۱۰۲.
- پویان، جواد و خلیلی، مژگان (۱۳۸۹)، نشانه‌شناسی نقوش سنگ‌قبرهای قبرستان دارالسلام شیراز، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۴، صص ۹۸-۱۰۷.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۸)، سنگ قبر، نشر آگاه، تهران.
- حصوری، علی (۱۳۸۱)، مبانی طراحی سنتی ایران، نشر چشمه، تهران.
- خودی، الدوز (۱۳۸۵)، معانی نمادین شیر در هنر ایران، کتاب ماه هنر، شماره ۹۷، صص ۹۶.
- خزایی، محمد (۱۳۸۱)، نقش شیر در هنر اسلامی، هنرهای تجسمی، شماره ۱۷، صص ۵۴-۵۷.